

تقریب مذاهب اسلامی؛ موانع و راهکارها با تأکید بر اندیشه‌های عالمان اسلامی مصر

سید محمد حسینی^۱

چکیده

عالمان مصلح و پیشرو مسلمان در دوران معاصر آثار و پیامدهای تفرقه و جدایی پیروان مذاهب را به خوبی درک کرده‌اند و بر همین اساس، برای تقریب مذاهب و نزدیک کردن پیروان مذاهب اسلامی کوشش کرده و می‌کنند. کوشش‌های مصلحان دینی مسلمان برای تقریب مذاهب گسترده و متنوع است، اما این کوشش‌ها در مصر و سیره‌ی اندیشمندان مسلمان مصر به سبب تأثیرگذاری‌اش در جهان عرب و پیرامون آن اهمیتی ویژه دارد.

این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی آرا و دیدگاه‌های عالمان مسلمان را با تأکید بر اندیشه‌ی عالمان اسلامی مصر بررسی می‌کند. در همین راستا، مهمترین فعالیت‌های دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه، موانع رسیدن به تقریب و راهکارهای پیشنهادی برای رسیدن به تقریب را بیان می‌کند.

واژگان کلیدی: قرآن، حیات اجتماعی، بنیادهای قرآنی، همزیستی مسالمت‌آمیز، افغانستان

۱. دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی جامعه المصطفی العالمیه - saidmohammadhosaini@gmail.com

پیامبر گرامی اسلام (ص) وقتی مردم را به توحید و یکتاپرستی دعوت کرد، آنان را به اتحاد و همدلی و برادری نیز دعوت کرد. ایشان پس از آن که در مدینه تشکیل حکومت دادند، بین مسلمین عقد اخوت و برادری بست. در حکومت اسلامی پیامبر (ص) مرز جغرافیایی مفهومی نداشت. مسلمانان که از گوشه و کنار دنیا در مدینه جمع شده بودند. مثلاً: سلمان فارسی از فارس، بلال حبشی از افریقا و.... او بین سیاه و سفید و عرب و عجم فرقی نمی گذاشت و بارها و بارها به آنان توصیه کرد که از تفرقه و جدایی بپرهیزند. این واقعیت تاریخی، اهمیت و ضرورت وحدت بین مسلمین را نشان می دهد. در واقع، اساس دین اسلام دعوت به توحید و یکتاپرستی و وحدت و برادری است. (بی آزار شیرازی، ۱۳۹۵ه. ق، ص ۱۵۲)

آیات تکان دهنده قرآن کریم که مسلمانان را به وحدت دعوت و از تفرقه منع کرده است، مؤید ادعای فوق است.

«إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ؛ امت شما امت واحدی است و من پروردگار شما هستم پس مرا پرستش کنید.» (انبیاء: ۹۲)

«وَاَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَادْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ؛ همگی به ريسمان خدا چنگ زده و به راه های متفرقی نروید و به یاد آرید این نعمت بزرگ خدا را که شما با هم دشمن بودید، خدا در دل های شما الفت و مهربانی انداخت و به لطف خداوند همه برادر دینی یکدیگر شدید در صورتی که در پرتگاه آتش بودید، خدا شما را نجات داد، چنین خداوندی آیاتش را برای شما بیان می کند، باشد که هدایت شوید.» (آل عمران: ۱۰۳)

«وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاحْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ هُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ؛ شما مسلمانان مانند کسانی نباشید که راه تفرقه و اختلاف پیمودند پس از آن که آیات

و ادله روشن برای هدایت آنها آمد و چنین گروه گرفتار عذاب سخت خواهند بود.» (آل عمران: ۱۰۵)

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ؛ مردم، ما شما را از جنس مرد و زن و شعبه‌های مختلف و قبیله‌های گوناگون خلق کردیم تا یکدیگر را بشناسید، بزرگوارترین شما نزد خدا باتقواترین شما است و خدا از حال شما کاملاً آگاه است.» (حجرات: ۱۴)

«وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ؛ و پیرو فرمان خدا و رسول او باشید و هرگز راه اختلاف و تنازع نپویدید که در اثر تفرقه، ترسناک و ضعیف شده و قدرت و عظمت شما نابود خواهد شد و صبر کنید که خدا با صابران است.» (انفال: ۴۶)

«إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا لَسَتْ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ؛ کسانی که دین را پراکندند و در آن فرقه فرقه شدند، چنین کسانی به کار تو نیایند، کار آنها با خداست، بعد از این به عقاب آنچه می‌کنند سخت آگاهشان می‌گردانند.» (انعام: ۱۵۹)

در این آیات، خداوند چند نکته را به مسلمانان تذکر می‌دهد:

۱. شما امت واحد هستید، همگی به ریسمان الهی چنگ زنید و مرا بپرستید؛
۲. شما زمانی باهم دشمن بودید، خداوند در دل‌هایتان الفت و برادری قرار داد و شما را از پرتگاه آتش نجات داد؛
۳. در گذشته کسانی بودند که با وجود آیات و نشانه‌های روشن راه تفرقه و جدایی را در پیش گرفتند، چنین انسان‌هایی دچار عذابی دردناک خواهند شد؛
۴. علت این‌که شما از دو جنس مختلف و با شعبه‌ها و قبیله‌های متعدد خلق شده‌اید، این است که بتوانید همدیگر را درست بشناسید؛

۵. از دیگر ضررهای تفرقه و جدایی این است که ضعیف شده و قدرت و عظمتان را از دست می‌دهید؛

پس از رحلت پیامبر اسلام (ص) از دنیا، اگرچه در بین مسلمین در تعیین جانشین و رهبر امت اسلام اختلاف پیدا شد، امیرالمؤمنین علی (ع) برای حفظ وحدت مسلمانان، برای اینکه مبدا اسلام از بین برود، از حق خود گذشت و سکوت اختیار کرد. در واقع، امیرالمؤمنین علی (ع) سیره پیامبر (ص) را ادامه داد. او بین عرب و عجم، سیاه و سفید، غلام و مولا فرقی نمی‌گذاشت و به همه احترام می‌گذاشت. همین عدالت و انصاف علی (ع) بود که موجب شورش و طغیان بنی‌امیه شد. عدالت و انصافی که بدون آن وحدت امکان‌پذیر نیست. این روش، اختصاص به علی (ع) نداشت. ائمه معصومین (ع) پس از او نیز همین راه را ادامه دادند. آنان معلمان بزرگ هدایت بودند که مردم را به توحید و وحدت دعوت می‌کردند، از بی‌عدالتی‌ها برحذر می‌داشتند. پس از دوران ائمه معصومین (ع) عالمان شیعه اندیشه تقیه و تقریب مذاهب اسلامی را سرلوحه اعمال خود قرار دادند. تا این‌که در قرون جدید اولین کسی که جامعه اسلامی را به وحدت دعوت کرد و خود در این راه به تلاش‌هایی پرداخت، مجاهد بزرگ اسلام، سید جمال الدین اسدآبادی بوده است. او که عزت امت اسلامی را از دست رفته می‌دید به فکر اصلاح امت اسلامی پرداخت. یکی از افکار اصلاحی او، اتحاد جامعه اسلامی بود. او که در دوران حکومت عثمانی می‌زیست، به سلطان عثمانی قول داد به زودی تمام دول اسلامی را متحد کند و همه را به طرف خلافت جلب نماید، اگرچه با شیطنت اطرافیان شاه، سید مورد خشم شاه قرار گرفت و او را با وضع بدی به شهادت رساند. او پیوسته می‌گفت: «اگر ملل اسلامی متحد بشوند، تمام روی زمین نمی‌توانند به آنها دست یابند.» (اسدآبادی، صص ۸ - ۹) پس از او شاگردانش به

خصوص شیخ محمد عبده و کواکبی، راه او را ادامه دادند و یا حداقل در این راه به تلاش‌هایی پرداختند.

در سال ۱۳۱۶ شمسی، حرکت و نهضت تقریب بین مذاهب اسلامی، با همت آیت الله بروجردی و با تلاش‌های فراوان شیخ محمدتقی قمی و همکاری «جامعه الازهر» با جدیت فراوان آغاز شد. مرحوم قمی با مشارکت شخصیت‌های بزرگ الازهر و دیگر علمای روشن بین اهل سنت مصر، توانست «دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه» را تأسیس کند. شیخ محمد تقی قمی، خود پیشگامان و رهبران تقریب را معرفی کرده است. به نظر ایشان اندیشه تقریب دارای سه مرحله بوده است: ۱. مرحله مقدماتی ۲. مرحله رشد و تکوین ۳. مرحله تنفیذ و اثرپذیری.

در مرحله اول، اولین کسی که این اندیشه را در سر داشت شیخ المراغی بوده است. او دارای فکری باز بود و توانست راه را برای ارتباط و گفتگو با علمای مصر، خصوصاً علمای الازهر، باز کند. در مرحله دوم از شخصیت‌های بزرگ که اندیشه تقریب را تقویت کردند، شیخ مصطفی عبدالرزاق و شیخ عبدالمجید سلیم بودند. شیخ مصطفی اگرچه از اعضای رسمی جماعت‌التقریب نبوده است، در مقابل متعصبینی که قصد از بین بردن این حرکت را داشتند و افکار مردم را خراب می‌کردند، با شجاعت ایستاد و از جماعت تقریب، دفاع فراوان نمود. پس از آن که او از دنیا رفت، متعصبین خواستند به جماعت تقریب هجوم آورده و آنان را از بین ببرند؛ اما طرفداران تقریب مذاهب ایستادگی کردند.

شیخ سلیم سال‌ها شیخ الازهر بود. او بعد از آن که به جماعت تقریب پیوست، تمام همت و تلاشش را به کار گرفت تا بتواند به تقریب مذاهب کمک کند. او راه مکاتبه و ارتباط با علمای شیعه را باز گذاشت و دانشگاه الازهر را به یک دانشگاه عمومی تبدیل کرد و همو بود که برای اولین بار در قانون احوال شخصیه مصر،

برخی دیدگاه‌های فقهی امامیه را که به نظرش بهتر می‌رسید، وارد کرد. پس از ایشان، شیخ محمود شلتوت که ابتدا استاد و سپس رئیس الازهر شد، تلاش‌های فراوانی برای تقریب مذاهب اسلامی انجام داد. او فتوای تاریخی صادر کرد و آن این که مذهب شیعه امامیه، از جمله مذاهبی است که تعبد و تقلید از آن در احکام شرعی جایز است همانند سایر مذاهب اربعه. این فتوای تاریخی را می‌توان اساس تقریب دانست. در حقیقت این فتوای یک نفر نبود، بلکه فتوای تمام دانشمندان و علمای تقریب بود. این گونه بود که اندیشه تقریب مذاهب اسلامی به مرحله تنفیذ و اثرگذاری رسید. همچنین شیخ شلتوت در مجله‌ای که به نام «رسالة الاسلام» تأسیس شد، تفاسیری نوشته است. او مقدمه‌ای هم در تفسیر مجمع البیان نوشته است. (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۹۵ق، ص ۲۱) شیخ شلتوت همانگونه که فقه مذاهب اربعه را تدریس می‌کرد، به تدریس فقه جعفری نیز پرداخت. (وردانی، ۱۴۱۹ق، ص ۷۷)

از دیگر عالمان بزرگی که در راه اندیشه تقریب مذاهب اسلامی تلاش‌های زیادی کردند، می‌توان از محمد علی علویه، آیت‌الله العظمی بروجردی، شیخ محمدحسین کاشف الغطاء، شیخ حسن البناء، سید شرف الدین عبدالحسین موسوی، امام خمینی، آیت‌الله العظمی خامنه‌ای و مرحوم آیت‌ا. . . شیخ محمد آصف محسنی نام برد.

۱- مهمترین فعالیت‌های دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه

۱-۱- تدوین فقه مقارن

یکی از خدماتی که دانشمندان و علمای تقریب به دنیای اسلام عرضه داشت، تدوین فقه مقارن و تدریس آن توسط اساتید بزرگی چون شیخ محمود شلتوت بوده است. با تدوین آیین‌نامه فقه مقارن و تدریس آن در جامعه الازهر، گام بزرگی جهت کنارگذاشتن تعصبات فقهی برداشته شد. در این آیین‌نامه آمده است که در

مطالعات و تحقیقات مذاهب فقهی، علاوه بر مذاهب اهل سنت، از دو مذهب شیعه امامیه و زیدیه نیز به عنوان مذاهب اسلامی استفاده می‌شود. (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۹، ص ۱۹۷)

۲-۱- گشودن باب اجتهاد و جواز پیروی از سایر فرق اسلامی، به خصوص مذهب امامیه

شیخ المراغی نخستین کسی بود که در مورد فتح باب اجتهاد و جواز پیروی از سایر مذاهب اسلامی سخن گفته است: «اجماع محققین بی‌اساس است و می‌توان از غیر چهار پیشوای معروف تسنن، چنانچه به نقل صحیح باشد و مرادشان فهمیده شود، پیروی کرد». (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۵۰، ص ۲۷۴)

پس از او شیخ عبدالمجید سلیم تصمیم گرفت، فتوایی تاریخی مبنی بر جواز پیروی از مذهب شیعه امامیه اثنی‌عشریه را صادر کند؛ اما درست در همان موقع تفرقه‌افکنان از فرصت استفاده کرده و کتابی در بین اعضای دارالتقریب پخش کردند که موجب شد وضعیت بحرانی شود و شیخ نتواند فتوای خود را صادر کند. او از دنیا رفت. پس از او شیخ محمود شلتوت راه او را ادامه داد و بالاخره این فتوای تاریخی را صادر کرد. (احمدی، ۱۳۸۶، صص ۸۰-۷۸)

متن فتوای تاریخی شیخ محمود شلتوت

«آیین اسلام هیچ یک از پیروان خود را ملزم به پیروی از مکتب معینی ننموده، بلکه هر مسلمانی می‌تواند از هر مکتبی که به طور صحیح نقل شده و احکام آن در کتب مخصوص به خود مدون گشته، پیروی نماید و کسی که مقلد یکی از مذاهب چهارگانه باشد، می‌تواند به مکتب دیگری (هر مکتبی که باشد) منتقل شود. مکتب جعفری، معروف به مذهب امامیه اثنا عشری، مکتبی است که شرعاً پیروی از آن مانند پیروی از مکتب‌های اهل سنت، جایز می‌باشد. بنابراین، سزاوار است که مسلمانان این حقیقت را دریابند و از تعصب ناحق و ناروایی که نسبت به مکتب

معینی دارند، دوری گزینند؛ زیرا دین خدا و شریعت او تابع مکتبی نبوده و در احتکار و انحصار مکتب معینی نخواهد بود، بلکه همه صاحب‌مذہبان مجتهد بوده و اجتهادشان مورد قبول درگاه باری تعالی است. کسانی که اهل نظر و اجتهاد نیستند، می‌توانند از هر مکتبی که مورد نظرشان است تقلید نموده و از احکام آن پیروی نمایند. در این مورد فرقی میان عبادات و معاملات نیست.» (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۹، ص ۱۹۷)

۳-۱- ترجیح فقه شیعه در برخی موارد

ورود برخی دیدگاه‌های فقهی امامیه در قانون احوال شخصیه مصر، به عنوان نظریه برتر، از اقدامات مثبت و مهم برخی اعضای دارالتقریب بود که برای اولین بار توسط شیخ عبدالمجید سلیم صورت گرفت. (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۹، ص ۱۵۱)

۴-۱- جمع‌آوری احادیث مشترک

جمع‌آوری احادیث مشترک، یکی از اهداف دارالتقریب بود که با پیشنهاد و درخواست شورای امور اسلامی مصر به شیخ محمدتقی قمی انجام گرفت. (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۵۰، ص ۳۲۶)

۲- موانع رسیدن به تقریب

۱-۲- ملی‌گرایی، قوم‌گرایی، نژادپرستی

در اصطلاح ملی‌گرایی «جریانی فکری - عقیدتی و مرامی است که به تعالی بخشیدن به ملت، گذشته‌ها، کیفیات و حالاتش و به اهداف و خواسته‌هایش گرایش دارد. این گرایش در مواردی به ارزشی والا درمی‌آید». همچنین ملی‌گرایی «به فرآیند تاریخی جدید اشاره دارد که از طریق آن ملت‌ها به صورت واحدهای مستقل سیاسی موجودیت یافته‌اند.» (مریجی، ۱۳۸۲، صص ۴-۸۲) بنابراین، وفاداری به

وطن را از مفاهیم اصلی ملی‌گرایی می‌توان دانست. از نظر این مکتب، سرزمین، نژاد و زبان، اساس وحدت ملی را به وجود می‌آورد. (میریجی، ۱۳۸۲، ص ۸۲)

در قرون وسطی که دوران اقتدار کلیسای کاتولیک بود، در میان مسیحیان امت‌گرایی و دین‌گرایی رواج داشت؛ اما با افول قرون وسطی، ملی‌گرایی، جای امت‌گرایی و دین‌گرایی را گرفت. انتقال مقرّ پاپ از روم به فرانسه (۱۳۰۳ م) و پیدایش نهضت پروتستان، ظهور و استقلال پادشاهان ملی و محلی، از جمله عوامل پیدایش و تقویت ملی‌گرایی به شمار می‌رود. این اندیشه به گونه‌ای در اذهان رسوخ کرد که ملی‌گرایان نخست خود را وطن‌پرست و سپس مسیحی می‌دانستند. (قدردان قراملکی، ۱۳۸۰، ص ۱۰۵)

متأسفانه این تفکر به جامعه اسلامی هم رسوخ کرد و برخی از مسلمانان قبل از این که خود را مسلمان بدانند، به ملیت و گذشتگان‌شان افتخار می‌کنند؛ چرا که وجود آنان را نشانه فرهنگ غنی و متمدن بودنشان می‌دانند. اگر قضیه به همین جا ختم می‌شد، مشکل زیادی به وجود نمی‌آورد. باید گفت بسیاری از مسلمانان دچار مرض نژادپرستی، برتری‌طلبی و تعصبات قبیله‌ای شده‌اند. حکومت‌های فاسد و وابسته به غرب برای ابقای خود و جلوگیری از وحدت مردم مسلمان، ممالک اسلامی را قطعه قطعه کرده و برای هر کدام نامی گذاشته‌اند و به مردم این‌گونه فهمانده‌اند که مثلاً سرزمین کویت شریف‌تر از بحرین و . . . است. (محسنی، ۱۳۷۲، ص ۲۲)

در کشورهای اسلامی که شعار اسلام‌گرایی را سر می‌دهند در مقام عمل، اندیشه ملی‌گرایی ترویج می‌شود. این تعصبات قبیله‌ای، نژادپرستی و برتری‌طلبی‌ها، مسلمانان را از یکدیگر جدا ساخته است. آنان نسبت به یکدیگر احساس خوبی ندارند؛ چرا که بدگویی‌هایی از همدیگر می‌شنوند و رفتارهای بدی از یکدیگر

می‌بینند. این واقعیت را هر انسان با انصافی درک می‌کند. سید قطب، دانشمند بزرگ مصری، ملی‌گرایی را آفت بزرگ دنیای اسلام می‌داند. به نظر ایشان ملی‌گرایی مانع وحدت مسلمانان است. (احمدی، ۱۳۸۳، ص ۸۱)

نزاع‌های لفظی بر سر شخصیت‌های بزرگ اسلامی، بین برخی کشورهای اسلامی فوق العاده زیاد گردیده است. کشورهای اسلامی هر کدام سعی می‌کنند، بزرگان اسلامی را به خود نسبت دهند، در حالی که خود آنان اگر زنده می‌بودند، شاید ملیت برایشان مهم نبود، بلکه به اسلام و مسلمان بودنشان افتخار می‌کردند.

این گفتار را با کلامی از سید قطب خاتمه می‌دهیم: «بی‌تردید اندیشه تنگ و تاریک ملی‌گرایی در درون مسائل داخلی ما، اندیشه ویرانگری بود که نیروهای میهن بزرگ اسلامی را پراکنده ساخت و آن را به دولت‌های کوچک ناتوان بی‌ارزشی که با هیچ چیزی قدرت مقابله ندارد تبدیل نمود، اندیشه‌ای بود که به امپریالیسم غربی اجازه و امکان داد روزانه یک کشور اسلامی را بدرود... در حالی که اطمینان دارد این مرزهای ساختگی به هیچ دولت کوچکی اجازه کمک به دیگری را نخواهد داد؛ زیرا که همه در قفسه‌های تنگ آهنین خود به انزوا کشیده شده‌اند و توان نجات خود را ندارند چه رسد که به فکر کمک دیگران باشند.» (احمدی، ۱۳۸۳، ص ۸۲) البته این واقعیت را باید پذیرفت که امروز چاره‌ای جز پذیرش این مرزها نداریم و با وجود همین مرزها و تعدد کشورهای اسلامی هم می‌توانیم وحدت سیاسی خود را حفظ کنیم.

۲-۲- اختلافات اعتقادی - کلامی

در زمان حیات پیامبر اسلام (ص) بین مسلمانان اختلافی وجود نداشت، اما همین که پیامبر (ص) از دنیا رحلت کرد، بین مسلمانان در تعیین رهبری و جانشینی پیامبر (ص) اختلاف پیدا شد. این مهم‌ترین اختلاف شیعه و سنی است. به گونه‌ای

که گفته شده است: «أنه ماسل سيف في الاسلام على قاعدة دينية كما سل على الامامه في كل زمان» (طبری، ۱۴۱۳، ص ۱۶)

اهل سنت معتقدند پس از رحلت پیامبر اکرم (ص)؛ ابوبکر در سقیفه به عنوان خلیفه مسلمین تعیین شد. شیعه معتقد است، امامت انتخابی نیست تا بگوییم مردم حق داشتند بعد از پیامبر امام مسلمین را تعیین کنند، بلکه امام مسلمین را خدا تعیین می‌کند. پیامبر در دوران حیات خود، خصوصاً در بازگشت از حجة الوداع در غدیر خم امام و پیشوای مسلمین را به دستور خداوند تعیین کرده است. در جریان سقیفه این حق نادیده گرفته شد و سرانجام ابوبکر به عنوان خلیفه تعیین شد. حضرت علی (ع) برای حفظ جامعه اسلامی از اختلاف و پراکندگی از اقدام و درگیری نظامی خودداری کرد و حتی در برخی مواقع که ضرورت داشت به یاری و همکاری خلیفه می‌شتافت.

پس از آن در جریان پیدایش خوارج، مسأله ایمان و کفر و اینکه آیا مرتکب کبیره کافر است یا نه، پدید آمد. از آن پس اختلافات دیگری به تدریج در حوزه کلام پیش آمد؛ مسئله جبر و اختیار، صفات خدا و رؤیت و عدم رؤیت خدا در قیامت و بحث کلام خدا که آیا قدیم است یا حادث، که به «محنة القرآن»، معروف شده است، مسأله عدالت صحابه و... این اختلافات کلامی - اعتقادی همچنان ادامه یافت تا این‌که در قرن هشتم هجری، احمد بن تیمیه حرانی دمشقی ظهور و بروز کرد. او که خود حنبلی مذهب بود و از طرفی روش حنبلی را از رونق افتاده می‌دید، سعی داشت تا این روش را بار دیگر ترویج کند. او ادعا کرد که آنچه به عنوان عقاید خود بیان می‌دارد، همان اعتقادات اهل حدیث است. مهمترین دیدگاه‌های او که باعث شکاف بیشتر در میان امت اسلامی شد، عبارت است از:

- ۱- صفات خداوند که در قرآن و روایات آمده است و مستلزم تجسیم و تشبیه است، باید به ظاهرش حمل نمود، بدون هیچ گونه تأویل و توجیهی؛
 - ۲- سفر برای زیارت قبر پیامبر (ص) بدعت و شرک است؛
 - ۳- توسل به پیامبر (ص) و اهل بیت و اولیای خدا و تبرک جستن به آثار آنان مستلزم شرک در عبادت است؛
 ۴. بسیاری از فضایل که در صحاح و حتی مسند احمد بن حنبل برای پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) نقل شده، واقعیت ندارد؛
- اعتقادات ابن تیمیه با مخالفت علمای بزرگ اسلامی روبه‌رو شد؛ لذا تا قرن نوزده پیروانی نداشت، تا این‌که شیخ محمد بن عبدالوهاب ظهور کرد و به ترویج عقاید ابن تیمیه پرداخت. در آن زمان که حکومت امپراطوری عثمانی توسط استعمارگران تجزیه شده بود و آل سعود حاکمیت عربستان را به دست گرفته بودند، محمد بن عبدالوهاب از فرصت استفاده کرد و با آل سعود روابط خوبی برقرار کرد. او با قدرت سیاسی - اقتصادی آل سعود توانست عقاید خود را در سرزمین‌های اسلامی ترویج کند و بدین سان شکاف بزرگی میان امت اسلامی ایجاد کرد.
- عقاید وهابیت از جهتی شبیه عقاید خوارج است؛ خوارج براساس عقیده خاص خودشان در مسأله ایمان و کفر تمام کسانی را که مرتکب گناه کبیره می‌شدند، کافر می‌دانستند مگر این‌که توبه کند. وهابیت هم براساس تلقی خاص خودشان از توحید و شرک، بسیاری از عقاید و آداب اسلامی را شرک می‌دانند. پس از محمد بن عبدالوهاب، پیروان او همان روش او را ادامه دادند؛ برای مثال در سال ۱۲۱۶ امیر سعود وهابی کربلا را به تصرف درآورد و حدود ۵ هزار شیعه را به قتل رسانید و اموال حرم امام حسین (ع) را غارت کرد. آنان بارها و بارها به حرم‌های امامان

شیعه حمله کرده و به قتل و غارت شیعیان پرداخته اند. (طباطبائی، ۱۴۱۲، ص ۱۱۶)

۳-۲- اختلافات فقهی

مسلمانان در اصول فقهی که جزو ضروریات دین است، اختلافی ندارند؛ همه آنان به وجوب نماز، روزه، خمس، زکات، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر و ... معتقد بوده و از ضروریات دین می‌دانند. با این حال در موارد جزئی، فرعی و غیرضروری اختلافات زیادی دارند. اختلافات فقهی به گونه‌ای نیستند که بین دو مذهب شیعه و سنی باشد؛ بلکه در میان خود اهل سنت هم اختلاف فقهی وجود دارد و به همین جهت اهل سنت دارای چهار مکتب و مذهب فقهی هستند. در میان شیعیان هم اختلافات فقهی وجود دارد، حتی میان مراجع تقلید و مجتهدان شیعه نیز اختلاف نظر فقهی زیاد است.

بسته یا باز بودن باب اجتهاد، امکان استفاده از قیاس، استحسان و مصالح مرسله در استنباط احکام از جمله مسائل اختلافی میان مذاهب اسلامی است. (تسخیری، ۱۳۸۳، ص ۱۰۶) اختلاف دیدگاه‌های فقهی می‌تواند به یکی از دلایل زیر باشد:

الف) اختلاف در دلالت متن ثابت؛

ب) اختلاف در صحت متن مربوط به یک حکم؛

پ) تضاد اجتهاد در برتری دادن به هنگام تعارض با یکدیگر؛

ت) اختلاف اجتهاد در مواردی که متن صریحی وجود ندارد. (تسخیری،

۱۳۸۳، ص ۱۴۱)

استاد محمد محمدالمدنی برخی دیگر از اسباب اختلاف نظرهای فقهی را امور ذیل دانسته است:

۱. اشتراک لفظی مانند واژه قرء که هم بر حیض و هم بر طهارت دلالت دارد؛

۲. مردد بودن بین معنای لغوی و عرفی؛

۳. مردد بودن بین حقیقت و مجاز؛

۴. عموم و خصوص؛ این که خطاب آیاتی که راجع به ذکور است، عام است و شامل اناث هم می شود یا خیر؟

۵. اختلافات در سند حدیث؛

۶. اختلاف در متن حدیث؛ (بی آزار شیرازی، ۱۳۹۵، ص ۳۳۴)

دلایل اختلاف دیدگاه های فقهی هرچه باشد، هیچ ضرری به تقریب مذاهب اسلامی وارد نمی کند، همان طور که علمای بزرگ اهل سنت مانند شیخ محمود شلوت بر این مسأله تأکید کرده اند.

۳- راه های رسیدن به تقریب

عالمان بزرگ اسلامی، راه های خوبی را برای رسیدن به تفاهم، همدلی و اتحاد ارائه کرده اند که اگر به توصیه های آنان عمل می شد، جامعه اسلامی دچار مشکلات امروزی نمی شد؛ امروز دنیای اسلام بیش از هر روز دیگر نیازمند رهنمودهای عالمان و بزرگان دین در رسیدن به وحدت و اتحاد است. در عبارات ذیل به راه های رسیدن به تقریب مذاهب اسلامی از دیدگاه عالمان بزرگ اسلامی، می پردازیم.

۳-۱- تأکید بر عقاید مشترک و اصیل شیعه و سنی

مسلمانان دارای اصول و اعتقادات مشترکند. آنان در اصول و ضروریات دین مشترکند. آن اصول عبارتند از: ۱. توحید (اعتقاد به وجود خدای واحد، قادر، عالم، عادل، حکیم و...) ۲. نبوت ۳. معاد.

شیخ محمود شلتوت عقاید اساسی اسلام را امور زیر دانسته و بیان داشته است که اگر کسی به این امور ایمان داشته باشد، مسلمان است:

۱. ایمان به وجود خدا و توحید، وحدانیت خدا در آفرینش، تدبیر و دگرگونی و منزه دانستن خدا از مشارکت در عزت و قدرت و همگونی در ذات و صفات و توحید در عبادت و تقدیس و استعانت...

۲. خداوند از میان بندگانش افرادی شایسته را برگزیده که حامل پیام رسالت او از طریق فرشتگان وحی به سوی بندگان هستند. رسولان مردم را به سوی ایمان و عمل صالح دعوت می‌کنند و از این رو واجب است به همه آنان از نوح تا محمد ایمان داشته باشیم.

۳. ایمان به روز قیامت و جزا «جهان آخرت». کلمه شهادت همه این اصول را در بر دارد «اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمد رسول الله».

او در عین حال در مورد نظریاتی که مورد اختلاف است می‌گوید: «ما می‌توانیم مقرر کنیم دانستنی‌هایی که از طریق قطعی وارد نشده یا وارد شده ولی توأم با احتمال دلالت است و علما در آن اختلاف کرده‌اند از عقایدی نیست که دین، ما را به آن مکلف کرده و به عنوان مرز ایمان و کفر محسوب شود، مانند مسئله رؤیت خدا با چشمان معمولی، زیادی صفات بر ذات و گناهان کبیره و...» (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۹، صص ۲۱ و ۲۳)

شیخ محمدتقی قمی نیز گفته است: «ما اعتقادات شیعه و سنی را دوست داریم؛ زیرا آنان به آنچه که ایمان به آن برای یک مسلمان واجب است، ایمان دارند.» علامه محمدجواد مغنیه نیز معتقد است که شیعه و سنی در اصول دین که همان توحید، نبوت و معاد است، اتفاق نظر دارند. (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۹۵، صص ۲۴۳-۲۴۵؛ آذرشب، ۱۴۲۱، صص ۲۹-۳۰)

مورد دیگری که برخی گفته‌اند مورد اختلاف است و قطعاً در این سخنانشان غرض تفرقه‌افکنی دارند مسئله تحریف قرآن کریم است. با وجود این که علمای بزرگ امامیه قائل به عدم تحریف قرآن هستند و مانند سایر مذاهب اسلامی معتقدند که قرآن از هرگونه تحریفی مصون است، برخی به شیعه به دروغ نسبت داده‌اند که شیعه قائل به تحریف قرآن است. منشأ این اشتباه روایت ضعیف و بدون سندی است که در برخی کتب شیعه آمده است؛ البته از این گونه روایات در برخی منابع اهل سنت هم وجود دارد.

آیت الله العظمی سید ابوالقاسم خویی، مرجع دینی بزرگ شیعه معتقد است: بین مسلمانان عدم تحریف قرآن معروف است. شخصیت‌های بزرگ امامیه همچون شیخ صدوق، شیخ طوسی، سید مرتضی علم الهدی، شیخ مفید، شیخ بهایی، شیخ جعفر کاشف الغطاء و... بر عدم تحریف قرآن تصریح کرده‌اند. اما مصحف علی (ع) با قرآن امروزی فرقی نداشته است و اگر زیادتى در آن بوده است، در واقع تفسیر قرآن بوده نه از اصل قرآن. (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۹۵، صص ۲۴۳-۲۴۵)

مسأله دیگری که از جانب وهابیت طرح شده، نسبت دادن شرک به بسیاری از مسلمانان است؛ آنان معتقدند هرکس به پیامبر خدا (ص) و اولیای خدا متوسل شود و به زیارت قبور آنان برود مشرک است.

شیعه معتقد است توسل به پیامبر خدا (ص) و معصومین (ع) صرفاً واسطه قرار دادن آنان است نه این که مستقیماً از آنان چیزی را بخواهیم، بنابراین شرک نیست. این تنها عقیده شیعه نیست بلکه بسیاری از عالمان اهل سنت نیز همین عقیده را

داشته و دارند؛ مخالفت علمای بزرگ اهل سنت با عقاید ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب (حتی پدر و برادر محمد بن عبدالوهاب) حاکی از این واقعیت است.^۱ تمامی فرقه‌های اسلامی به جز نواصب به اهل بیت پیامبر اکرم (ص) خصوصاً حضرت علی (ع) و فاطمه زهرا (س) و فرزندانشان امام حسن و امام حسین (ع)، محبت ورزیده و احترام زیادی قائلند. واقعه جانسوز عاشورا، اهل سنت را نیز متأثر ساخته و آنان نیز مانند شیعیان از مظالم بنی‌امیه نفرت دارند. ابن عماد حنبلی می‌گوید: «علما در تصویب جنگ علی (ع) با مخالفانش اتفاق نظر دارند؛ زیرا وی امام برحق بود. همچنین در تحسین خروج امام حسین بر یزید اتفاق نظر نقل شده است... بلکه همه علما خروج بر امثال یزید و حجاج را جایز دیده‌اند و برخی از آنان خروج بر هر حاکم ستمگری را تجویز کرده اند.» (صحتی سردرودی، ۱۳۸۱، ص ۱۰۴)

عمر بن جاحظ می‌گوید: «پس از معاویه از پسرش یزید و کارگزاران و یاران وی جنایاتی به وقوع پیوست که تجاوز به شهر مکه و تخریب کعبه و شکستن حریم مدینه و کشتن حسین بن علی از آن جمله بود.» (صحتی سردرودی، ۱۳۸۱، ص ۱۱۱) قاضی عبدالجبار معتزلی می‌گوید: «ما امت مسلمان اینک با قیام حسین بن علی به امت‌های دیگر مباهات می‌کنیم.» (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۹۵، ص ۱۱۶) ابن جوزی هم معتقد است که یزید سزاوار خلافت نبود؛ او به زور بر مردم حکومت کرده و سکوت مردم هم از ترس بوده است. (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۹۵، ص ۱۱۸)

۱. سلیمان بن عبدالوهاب برادر محمد بن عبدالوهاب، دو کتاب به نام‌های «فصل الخطاب» و «الصواعق الالهیه» را در رد عقاید برادرش نگاشته است. استاد سبحانی ۱۴ کتاب از این نوع را که در رد عقاید وهابیت نوشته شده است نام برده است. رک: بحوث فی الملل و النحل، ج ۴، ص ۵۳.

بزرگترین اختلاف

پیش از این گفتیم مهم‌ترین و بزرگترین اختلاف که بین مسلمین پدید آمد، مسئله امامت و خلافت بوده است. اگر شیعه و سنی بر سر این مسئله به توافق برسند، عمده اختلافات از بین می‌رود. به طور کلی دو راه برای حل این مسئله وجود دارد. **الف)** این راه حل و ایده را اولین بار شیخ صالح حائری از علمای شیعه مطرح کرده است. این دیدگاه مورد تأیید برخی علمای اهل سنت مانند شیخ محمود شلتوت و... نیز قرار گرفته است. شیخ حائری می‌گوید: «ملاک تسنن غیر متعصب این است که خلافت ملی (دنیوی) را صحیح می‌دانند، نه این که منکر امامت آسمانی منصوص باشند و نه این که از علوم اهل بیت و روایات و فتاوی آنان اعراض و دوری کنند، همان گونه که ملاک شیعه کامل این است که به امامت منصوص علی (ع) و یازده امام معصوم دیگر و واجب دانستن اطاعت آنان در علوم دینی معتقد بوده نه این که خلافت کسی را که قیام کرده و عدالت، زهد، امانتداری و حسن تدبیر را رعایت کند باطل بدانند؛ زیرا امکان دارد که امام منصوص به این امر رضا دهد ولو به علت مصلحت زمانی و ترس از برپا شدن فتنه». (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۹۵، ص ۳۹۰)

ب) راه حل دوم ترک تعصب و حقیقت خواهی است، به این معنا که به عقیده خود پای‌بند بوده و در عین حال به اعتقادات همدیگر احترام بگذاریم. به بیانی دیگر، برای رسیدن به تقریب مذاهب اسلامی، لازم نیست یک مسلمان شیعه یا سنی دست از عقاید خود بردارد، بلکه همین که به عقاید یکدیگر احترام بگذاریم و از توهین به عقاید همدیگر خودداری کنیم، کفایت می‌کند.

۲-۳- آگاهی کامل از عقاید یکدیگر

بسیاری از مسائلی که به عنوان مباحث اختلافی مطرح می‌گردد ناشی از عدم آگاهی کامل از عقاید یکدیگر است. نسبت دادن غلو به تمام یا اکثر شیعه، نسبت دادن نواصب به تمام یا اکثر اهل سنت، نسبت تحریف قرآن به شیعه و این که شیعه معتقد است پیامبر رسالت را که حق علی (ع) بود از او گرفت، همه تهمت‌هایی هستند که منشأ آن عدم آگاهی کامل از عقاید یکدیگر است. ما باید علاوه بر آگاهی از آموزه‌های خود، نسبت به اعتقادات همدیگر نیز مطالعات عمیق و دقیق داشته باشیم، تا دچار تهمت‌های ناروا نشویم. همچنین ایجاد مناظرات علمی دور از تعصبات مذهبی و ملی می‌تواند جهت آگاهی کامل از عقاید یکدیگر مفید باشد. مصداق بارز آن را می‌توان در مناظرات مکتوب شیخ سلیم بشری (استاد الازهر) و علامه سید شرف الدین موسوی دید، که با ملایمت و نرم‌خویی و احساس اخوت و برادری با یکدیگر به مناظره پرداختند.^۱

۳-۳- ترویج یک زبان مشترک

وجود زبان مشترک بین همه مسلمانان برای این که ارتباط بهتری با یکدیگر برقرار کنند و شناخت بهتر نسبت به یکدیگر داشته باشند، لازم و ضروری است. به همین دلیل و دلایل دیگری که گفته می‌شود، زبان عربی به عنوان زبان مشترک، از همه بهتر است؛ زیرا برای فهم دین و معارف دینی، اعم از اعتقادات، احکام فقهی و سایر امور دینی، زبان عربی لازم است؛ چرا که قرآن و سنت که منابع دینی ما هستند به زبان عربی است. علاوه بر آن، برای آگاهی از آراء و نظرات فقهاء، متکلمین، مفسرین و... فهم زبان عربی لازم است؛ زیرا اکثر کتب فقهی، کلامی، اعتقادی و تفسیری و... به زبان عربی تدوین شده است. پیشوای مذهب شافعی بر

۱. این مناظرات در کتابی تحت عنوان «المراجعات» توسط علامه سید شرف الدین موسوی عاملی جمع گردیده است.

هر مسلمانی فراگیری زبان عربی را به اندازه‌ای که امور دینی را درست بفهمد و انجام دهد، واجب دانسته است. (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۹۵، ص ۱۳۳)

۴-۳- لزوم حمایت حکومت‌های اسلامی از یکدیگر

باید گفت کشورهای اسلامی می‌توانند با همدیگر در مقابل دشمنان و استعمارگران از همدیگر دفاع کنند؛ اگر یک کشور اسلامی در معرض تهدید و حمله استعمارگران و دشمنان دین قرار می‌گیرد، دیگران همه یک‌جا باید در مقابل دشمن بایستند. اگر مسلمانان همه با هم در مقابل اشغال اسرائیل می‌ایستادند و در کنار فلسطینیان با آنان می‌جنگیدند، اثری از اسرائیل نمی‌ماند. چنانچه بین دو کشور اسلامی بر سر مسئله‌ای نزاع و درگیری ایجاد شد، دیگر کشورهای اسلامی موظفند بین آنان مصالحه کنند. چنانچه قرآن می‌فرماید:

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ؛ همانا مؤمنین برادران یکدیگرند، پس بین برادرانتان اصلاح کنید.» (حجرات: ۱۰)

نتیجه

وحدت میان مسلمانان به معنای کنار گذاشتن عقاید خود نیست، بلکه به معنای عمل کردن به دستورات دینی بر اساس عقاید خود و احترام گذاشتن به عقاید مذاهب دیگر است. این مسئله یکی از مسائل ضروری و لازم است که مردم بایستی به آن توجه داشته باشند. زیرا قرآن ما را به وحدت امر و از تفرقه و جدایی نهی کرده است و تفرقه افکنان را به شدت مذمت کرده است. از طرفی وقتی به سیره پیامبر (ص) و سایر ائمه معصومین (ع) مراجعه می‌کنیم، آنان نیز به اتحاد و برادری بین مسلمانان تأکید کرده‌اند و از تفرقه افکنی‌ها به شدت نهی کرده‌اند. ثالثاً مسلمانان در اصول و ضروریان دین (اعم از اعتقادی، فقهی، اخلاقی و...) اتفاق نظر دارند. اختلافات در مواردی است که به مسلمانی افراد، خللی وارد نمی‌شود، به عبارتی

موارد اختلاف جزو ضروریات و اصول دین نیستند؛ بنابراین، این اختلافات (اعم از کلامی، فقهی و...) نمی‌توانند و نباید مانع از اتحاد مسلمانان بشوند. پس وظیفه تمام مردم مسلمان (اعم از علما، دانشمندان، سیاستمداران و حاکمان اسلامی و همین‌طور روشنفکران اسلامی و...) است که برای رسیدن به تقریب مذاهب اسلامی و از بین بردن تعصبات دینی - قبیله‌ای و... بکوشند.

قرآن کریم

۱. احمدی، علی، شهید سید قطب آیت مجاهد (طلایه داران تقریب ۶)، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۸۳ ش.
۲. احمدی، علی، شیخ محمود شلتوت آیت شجاعت (طلایه داران تقریب ۲)، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، چ ۲، ۱۳۸۶ ش.
۳. اسدآبادی، سید جمال الدین، مادی گری، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بیتا.
۴. آذرشب، محمدعلی، ملف التقرب، تهران: المجمع العالمی للتقرب بین المذاهب الاسلامی، ۱۴۲۱ ق.
۵. بی آزار شیرازی، عبدالکریم، الوحدة الاسلامیه (مجموعه مقالات)، بیروت: موسسه مطبوعات اعلمی، ۱۳۹۵ ق.
۶. بی آزار شیرازی، عبدالکریم، شیخ محمود شلتوت طلایه دار تقریب، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، چ ۱، ۱۳۷۹ ش.
۷. بی آزار شیرازی، عبدالکریم، همبستگی مذاهب اسلامی، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۵۰ ش.
۸. تسخیری، محمدعلی، درباره وحدت و تقریب بین مذاهب اسلامی، ترجمه: محمد مقدس، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۸۳ ش.
۹. سید رضی، نهج البلاغه، ترجمه و شرح: سید علی نقی فیض الاسلام، تهران: انتشارات فقیه، ۱۳۷۹ ش.
۱۰. صحتی سردودی، محمد، شهید فاتح در آئینه اندیشه، قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۸۱ ش.
۱۱. طباطبائی، سید علی، ریاض المسائل، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۲ ش.
۱۲. طبری، محمد بن جریر، دلائل الامامة، قم: مؤسسه البعثة، ۱۴۱۳ ق.
۱۳. قدردان قراملکی، محمد حسن، سکولاریزم در اسلام و مسیحیت، قم: موسسه بوستان کتاب، چ ۲، ۱۳۸۰ ش.
۱۴. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت: چ ۳، ۱۴۰۳ ق.
۱۵. محسنی، محمد آصف، صراط الحق فی المعارف الاسلامیه و الاصول الاعتقادیه، مشهد: حرکت اسلامی افغانستان، ۱۳۷۱ ش.
۱۶. محسنی، محمد آصف، نظریات، مشهد: انتشارات ولایت، ۱۳۷۲ ش.
۱۷. مریجی، شمس الله، سکولاریزم و عوامل شکل گیری آن در ایران، قم: مؤسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۲ ش.
۱۸. موسوی، سید شرف الدین، الفصول المهمه فی تألیف الامه، نجف: دارالنعمان، الطبعة الرابعة.
۱۹. وردانی، صالح، مناظرات بین فقهاء السنة و الفقهاء الشیعه، بیروت: مرکز الغدير، ۱۴۱۹ ق.